

به نام خدا

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری

کارگاه جمع بندی و حل تست اصول فقه

پاییز ۱۳۹۹

ویژه آزمون وکالت ۱۳۹۹

مدرس: دکتر صدیقه گلستان رو

تعارض ادله

۱- تفاوت باب تعارض و تراحم، در کدام مورد است؟

- ۱) در تعارض، دلالت دلیل، مجمل است، ولی در باب تراحم، دو حکم که ضرورتاً یکی اهم و دیگری مهم است، با هم تراحم می نمایند.
- ۲) در تعارض، ناسازگاری در ناحیه دلالت دو یا چند دلیل است؛ ولی در تراحم، مشکل در ناحیه اجرا و امتثال حکم است.
- ۳) در باب تعارض، دو دلیل مطلقاً حتی در صورت ترجیح یکی بر دیگری، از اعتبار ساقط می شوند؛ ولی در تراحم، همواره تکلیف اهم مقدم می شود.
- ۴) در باب تراحم، معیار شناسایی حکم اهم از مهم، عقلی و بدیهی است؛ ولی در باب تعارض، معیارهای ترجیح، مبهم و اختلافی است.

۲- در فرض تراحم دو یا چند حکم، معیار ترجیح کدام است؟

- ۱) تقدم زمان صدور حکم
- ۲) تخییر به طور مطلق
- ۳) اهمیت حکم
- ۴) نزدیک بودن حکم به واقعیت

۳- در کدام مورد، تعارض حتی از نوع غیر مستقر آن نیز وجود ندارد؟

- ۱) یکی از دو دلیل، قطعی و یقینی و دیگری ظنی باشد.
- ۲) بین دو دلیل، نسبت عام و خاص برقرار باشد.
- ۳) بین دو دلیل، نسبت مطلق و مقید برقرار باشد.
- ۴) یکی از دو دلیل، حاکم یا وارد بر دلیل دیگر باشد.

۴- دو نسخه متعارض از یک قرارداد، درباره تعهد معینی وجود دارد. یکی از قراردادها دلالت روشنی بر موضوع تعهد دارد، اما شائبه اکراهی بودن آن هم در میان است. قرارداد دیگر، فاقد شائبه اکراهی بودن است، اما دلالت آن بر موضوع تعهد، مبهم می باشد. کدام مورد زیر در خصوص این دو قرارداد، صحیح است؟

- ۱) هر دو قرارداد، مرجح جهت صدور را دارند، ولی یکی از آنها دارای مرجح دلالتی نیز هست.
- ۲) هر دو قرارداد، دارای مرجح مضمونی و جهت صدور یکسان هستند.
- ۳) یکی از قراردادها، دارای مرجح مضمونی و دیگری، دارای مرجح سندی است.
- ۴) یکی از قراردادها، دارای مرجح جهت صدور و دیگری، دارای مرجح دلالتی است.

۵- در صورت تراحم دو حکم، ترک اهم و انجام مهم چه حکمی دارد؟

- ۱) مهم در برابر اهم، مشروعیت و مطلوبیت خود را از دست خواهد داد.
- ۲) طبق اصله التخییر، حق انتخاب مساوی دارد.
- ۳) مهم، بر طبق قاعده ترتب باز هم مطلوبیت قانونی خود را حفظ می کند.
- ۴) در وارد مختلف باید قائل به تفصیل شد و مرجحات اهم گاهی قوی است که باید مهم را خالی از مطلوبیت دانست.

۶- در خصوص جمع تبرعی و جمع عرفی، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) جمع تبرعی، مربوط به ادله ناظر به بیان غیر الزامی است؛ اما جمع عرفی مربوط به ادله ناظر به بیان احکام الزامی است.
- ۲) جمع تبرعی، مربوط به تعارض دو دلیلی است که دلالت آنها در حد ظهور است؛ اما جمع عرفی مربوط به تعارض دو نص است.
- ۳) جمع تبرعی، جمعی دلخواهی است که شاهدی از لفظ آن بر گواهی نمی دهد؛ اما جمع عرفی جمعی است که میان دو یا چند دلیل متعارض با تکیه بر شواهد لفظی موجود در ادله صورت می گیرد.
- ۴) جمع تبرعی، صرفاً با لحاظ مناسب حکم و موضوع صورت می گیرد؛ اما در جمع عرفی تاکید بر معیارهای عرفی خارج از حدود دلالتی لفظی است.

۹۵- به موجب یک اصل مسلم حقوقی «عموم اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی، به طور کلی موظف به پرداخت هزینه دادرسی هستند». از سوی دیگر به موجب ماده واحده مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۷ شورای انقلاب: «بنیاد مستضعفان از پرداخت هزینه دادرسی در تمام مراجع قضایی معاف است». اگر تردید شود که ماده واحده مصوب ۱۳۵۸، در برگیرنده بنیاد مستضعفان یا شرکتهای وابسته به بنیاد مستضعفان است می توان گفت:

- ۱) اجمال مخصّص به عام سرایت نکرده و شرکتهای وابسته به بنیاد مستضعفان به استناد مخصّص، معاف از پرداخت هزینه دادرسی هستند.
- ۲) اجمال مخصّص به عام سرایت کرده و شرکتهای وابسته به بنیاد مستضعفان به استناد عام، موظف به پرداخت هزینه دادرسی هستند.
- ۳) اجمال مخصّص به عام سرایت نکرده و شرکتهای وابسته به بنیاد مستضعفان به استناد عام، موظف به پرداخت هزینه دادرسی هستند.
- ۴) اجمال مخصّص به عام سرایت کرده و با استناد به اصول عملیه پاسخ می دهیم که شرکت های وابسته به بنیاد مستضعفان هزینه دادرسی بپردازند یا نه.

۹۶- در خصوص تفاوت بین نسخ با تخصیص ، کدام یک صحیح است؟

- ۱) دلیل نسخ همیشه از جهت زمان صدور ، مؤخر از منسوخ است اما مخصّص ، ممکن است مقدم بر عام یا همزمان یا مؤخر از آن باشد.
- ۲) نسخ نسبت به گذشته و آینده اثر دارد بر خلاف تخصیص که فقط نسبت به آینده اثر دارد .
- ۳) قانون نسخ ، مبین قانون منسوخ است بر خلاف قانون خاص که از بین برنده قانون عام است .
- ۴) تخصیص فقط توسط قانونگذار صورت می گیرد بر خلاف نسخ که با دلیل عقلی یا حکم قانونگذار تحقق می یابد .

۹۷- ماده ۴۴۵ ق.م می گوید : « هر یک از خيارات بعد از فوت ، منتقل به وراثت می شود ». ماده ۴۴۷ ق.م بیان می دارد : « هر گاه شرط خیار برای شخصی غیر از متعاملین شده باشد منتقل به ورثه نخواهد شد ». تعارض بین این دو ماده

- ۱) تعارض عام و خاص همزمان است و ماده ۴۴۷ ، ماده ۴۴۵ را تخصیص می دهد .
- ۲) تعارض عام مقدم و خاص مؤخر است و ماده ۴۴۷ ، ماده ۴۴۵ را تخصیص می دهد .
- ۳) تعارض عام مقدم و خاص مؤخر است و ماده ۴۴۷ ، ماده ۴۴۵ را نسخ جزئی می کند .
- ۴) تعارض عام مؤخر و خاص مقدم است و ماده ۴۴۷ ، ماده ۴۴۵ را تخصیص می دهد.

۹۸- علی وصیت نامه ای حاوی تملیک تمام کتابهایش به رضا تنظیم نموده ولی بخشی از سند به دلیل ریختن جوهر ناخوانا گشته است. اگر احتمال دهیم بخشی از کتابهای علی از شمول وصیت خارج شده و این احتمال در مورد بخش ناخوانای وصیت مطرح شود تکلیف چیست؟

- ۱) تمام کتابهای علی مورد وصیت است.
- ۲) لازم است تفحص کنیم که در قسمت ناخوانا مخصی وجود ندارد و اگر اطمینان یافتیم که مخصی نیست می گوئیم تمام کتابها مورد وصیت است.
- ۳) به وصیت مزبور نمی توان عمل کرد.
- ۴) تفحص می کنیم که آیا در قسمت ناخوانا مخصی وجود دارد یا نه؛ و ظن به عدم وجود مخصی هم کافی است تا بتوان گفت تمام کتابها مورد وصیت است.

وضع الفاظ

۱۷۱- با توجه به تعریف جرم در ماده ۲ قانون مجازات که مقرر می دارد: «جرم هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است»، کدام یک از موارد زیر را می توان گفت؟

- (۱) جرم، حقیقت قانونی است و بنابراین هرگاه قانونگذار این واژه را به کار ببرد، باید بر همین معنای قانونی حمل شود.
- (۲) در موارد مشکوک، جرم در متن قانونی بر معنای متعارف نزد قضات حمل می شود. که مخاطبان این قانون هستند، نه بر معنای مذکور در متن قانون
- (۳) به رغم تعریف فوق، در موارد مشکوک، جرم بر معنای لغوی آن حمل می شود.
- (۴) این تعریف، تنها شرح اسم است پس در موارد مشکوک، جرم بر معنای معروف نزد عرف عام، حمل می شود.

۱۷۲- کدام مورد در خصوص استعمال واژه وکیل، درباره کسی که به زودی پروانه وکالت خود را از مراجع مربوط دریافت می کند، صحیح است؟

- (۱) مصداق استعمال مجازی است که عرف اهل زبان ممکن است آن را استعمال مقبول قلمداد کنند.
- (۲) مصداق استعمال لفظ در معنای حقیقی است و در هر حال استعمالی مقبول است.
- (۳) بنابر وضع واژه ها، برای اعم از صحیح و فاسد، مقبول است، اما بنابر اینکه الفاظ، برای مفاهیم صحیح وضع شده باشند، استعمال مقبولی نخواهد بود.
- (۴) استعمال لفظ در این مورد و موارد مشابه، نه از باب استعمال حقیقی و نه از باب استعمال مجازی، عرفاً مقبول نیست.

۱۷۳- کدام لفظ، در معنای حقیقی آن استعمال شده است؟

- (۱) داوری درباره رسیدگی قضایی
- (۲) حاکم در مورد ولی فقیه
- (۳) بانک در مورد بانک اطلاعات
- (۴) سرقت در مورد دستیابی به اطلاعات محرمانه

۱۷۴- در کدام گزینه مجاز به علاقه مشابهت به کار رفته است:

- (۱) کاربرد «قرار» برای تصمیم دادگاه که قاطع دعواست.
- (۲) کاربرد «زوجیت» برای نکاح. «زوجین که زوجیت آنها دائمی است...»
- (۳) کاربرد «محکمه» برای قاضی.
- (۴) کاربرد مستاجر برای کسی که عقد اجاره اش منقضی شده است.

۱۷۵- حقیقت عرفی چیست؟

- (۱) هرگاه قانونگذار با اقلام خود، لفظی را از معنای لغوی و عرفی آن جدا و در معنی منظور خود تثبیت کند به طوری که بدون قرینه همان معنا از آن استفاده شود.
- (۲) معنایی متفاوت با معنی لغوی که مردمان با کثرت استعمال برای آن لفظ تثبیت کرده اند.
- (۳) معنای جدیدی است که به ابتکار شارع نخستین اسلام برای لفظی، معین شده و بدون قرینه از آن لفظ استفاده می شده است.
- (۴) الفاظی که در عرف و استعمال فقها و در زمان پس از امام صادق بدون قرینه معنای شرعی می دادند.

۲۱۲- ماده ۱۰۹ قانون مدنی مقرر می دارد: دیواری که مابین دو ملک واقع است مشترک مابین صاحب دو ملک محسوب می شود مگر اینکه قرینه یا دلیلی برخلاف آن موجود باشد. این ماده:

- (۱) یک اماره قانونی بوده و مفید حکم ظاهری است.
 (۲) یک اماره قضایی است و مفید حکم ظاهری است.
 (۳) یک اماره قانونی است و مفید حکم واقعی است.
 (۴) یک اماره قضایی است و مفید حکم واقعی است.

۲۱۳- اصل بر عدم حجیت

- (۱) اماره است.
 (۲) ظن است .
 (۳) قطع است .
 (۴) همه موارد

۲۱۴- ماده ۱۰۵۰ ق.م بیان می دارد: «هر کس زن شوهردار را با علم به وجود علقه زوجیت و حرمت نکاح و یا زنی را که در عده طلاق یا عده وفات است با علم به عده و حرمت نکاح برای خود عقد کند عقد باطل...». منظور از «علم» در این ماده، کدام گزینه است؟

- (۱) قطع موضوعی (۲) قطع طریقی (۳) ظن معتبر و خاص (۴) ظن مطلق و نامعتبر

۲۱۵- ظنی که دلیل خاصی بر حجیت آن رسیده و ظنی که عمل به آن از طرف شارع، ممنوع نشده ولی مورد تایید شارع هم قرار نگرفته است به ترتیب کدام است؟

- (۱) ظن مطلق - ظن خاص (۲) ظن خاص - ظن مطلق
 (۳) ظن نوعی - ظن خاص (۴) ظن شخصی - ظن خاص

مجمل و مبین و ادله استنباط احکام (قرآن، سنت، اجماع، عقل و قیاس)

مقدمه واجب - اذن در شیء، اذن در لوازم - استحسان - استصلاح یا مصالح مرسله - سد ذرایع

۲۱۶- برابر ماده ۸۲۵ قانون مدنی: «وصیت بر دو قسم است: تملیکی و عهدی» حکم این ماده، مصداق است.

- (۱) نص (۲) موول (۳) ظاهر (۴) متشابه

۲۱۷- ماده ۶۱۱ ق.م مقرر می دارد: «ودیعه عقدی است جایز». این ماده مصداق کدام گزینه است؟

- (۱) مبین (۲) نص (۳) ظاهر (۴) ۱ و ۲

۲۳۷- ماده ۵۷۷ ق.م بیان می دارد: « شریکی که در ضمن عقد به اداره کردن اموال مشترک مأذون شده است می تواند هر عملی را که لازمه اداره کردن است انجام دهد...». این ماده، مصداقی از چه قاعده ای است؟

(۱) قاعده «مقدمه واجب، واجب است»

(۲) قاعده «اذن در شیء، اذن در لوازم آن است»

(۳) قاعده «استحسان»

(۴) قاعده «استصلاح»

۲۳۸- "مصالح مرسله" مصالحی هستند که.....

(۱) ادله صریح بر وجوب عدم رعایت آنها وجود دارد

(۲) ادله صریح بر وجوب رعایت آنها وجود دارد

(۳) ادله وجوب آنها ارسال شده اما به ما نرسیده است

(۴) دلیل خاصی نه بر وجوب رعایت آنها رسیده و نه بر حرمت آنها

۲۳۹- ماده ۱۱۵۰ ق.م مقرر می دارد: «عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن، زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی تواند شوهر دیگر اختیار کند». مبنای این حکم را جلوگیری از اختلاط نسب و احترام به نکاح پیشین دانسته اند. این مبنا، معادل کدامیک از اصطلاحات زیر است؟

(۱) علت

(۲) سبب

(۳) حکمت

(۴) مقتضی

۲۴۰- اگر مالکی تعهد کرده باشد که ملک غیرمنقول و ثبت شده خود را به دیگری بفروشد می بایست به دفاتر اسناد رسمی مراجعه و سند رسمی تنظیم نماید. مراجعه به دفتر اسناد رسمی و انجام مقدمات برای انتقال ملک، از چه باب بر عهده انتقال دهنده است؟

(۱) قاعده سد ذرایع

(۲) مقدمه واجب، واجب است.

(۳) قاعده استصلاح

(۴) قاعده استحسان

۲۴۱- ماده ۸۶۱ ق.م تصریح می دارد: «موجب ارث دو امر است: نسب و سبب». ماده ۸۸۴ همین قانون مقرر می دارد: «ولد الزنا از پدر و مادر و اقوام آنان ارث نمی برد...». حال اگر میان زن و مردی رابطه زوجیت وجود نداشته باشد و در اثر تلقیح مصنوعی فرزندی از ایشان متولد گردد:

(۱) حکم ولد الزنا درباره فرزند متولد شده جاری است به دلیل سرایت دادن حکم ماده ۸۸۴ ق.م.

(۲) حکم ولد الزنا درباره فرزند متولد شده جاری نیست به دلیل بر خلاف قاعده بودن حکم ماده ۸۸۴ ق.م.

(۳) حکم فرزند مشروع در مورد فرزند متولد شده جاری است به دلیل شمول قطعی و صریح ماده ۸۶۱ ق.م.

(۴) حکم ولد الزنا درباره فرزند متولد شده جاری نیست به دلیل جریان قیاس بر اساس ماده ۸۸۴ ق.م.

به نام خدا

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری

پاسخنامه اصول فقه

پاییز ۱۳۹۹

ویژه آزمون وکالت ۱۳۹۹

مدرس: دکتر صدیقه گلستان رو

۱- گزینه ۲ صحیح است. تعارض به برخورد و تنافی و ناسازگاری بین مدلول دو یا چند دلیل (و به تعبیر برخی ناسازگاری در ناحیه دلالت دو یا چند دلیل) در مرحله جعل و انشاء و قانونگذاری و تشریح (وضع و انشاء) گفته می شود اما تراحم به برخورد احکام در مرحله اجرا و امثال به دلیل ناتوانی مکلف از

اجرای توأمان احکام گفته می شود. گزینه ۳ به این دلیل نادرست است که در حالت تعارض مستقر دو دلیل اگر یکی از دلایل به سبب مرجّحی بر دیگری ترجیح داشت آن دلیل را باید بر دیگری ترجیح داد و در حالت فقدان ترجیح که آن را تعادل یا تکافو ادله متعارض می گویند اگر تعارض بین روایات بود به قاعده ثانویه شرعیه که بیانگر تخییر است مراجعه می کنیم و اگر سایر تعارض ها بود به قاعده اولیه عقلی که به طور مطلق قاعده هم گفته می شود و بیانگر تساقط ادله متعارض است مراجعه می کنیم و در تراحم هم ابتدا به مرجحات باب تراحم مراجعه می کنیم و در صورت فقدان مرجحات، به راهکار تخییر که یک حکم واقعی عقلی است مراجعه می کنیم. مرجحات باب تراحم فقط تقدم اهم بر مهم نبوده و موارد دیگری نیز است فلذا گزینه ۱ نادرست است. همچنین دلیل دیگر بر نادرستی گزینه ۱، بیان ویژگی ناصحیح تعارض (یعنی مجمل بودن دلالت دلیل) است. گزینه ۴ هم ناصحیح است چون تنها معیار شناسایی حکم اهم از مهم، عقل نیست و دستورات شارع و قانونگذار نیز است.

۲- گزینه ۳ صحیح است. در باب تراحم دو یا چند حکم، مرجّحاتی وجود دارند که موجب ترجیح یک حکم بر حکم دیگر می شوند و یکی از این مرجحات، مقدم شدن تکلیف اهم بر مهم است که خود، مصادیقی دارد. این مورد، همان اهمیت حکم است که در گزینه ۳ آمده است. برای شناخت مرجحات باب تراحم به صفحات ۳۴۰ تا ۳۴۲ کتاب اصول فقه موسسه فاضل نمایید.

۳- گزینه ۱ صحیح است. تعارض ادله بین دو دلیل قطعی یا یک دلیل قطعی و یک دلیل غیرقطعی (اعم از دلیل ظنی و اماره یا اصول عملیه) واقع نخواهد شد. در واقع یکی از شرایط تعارض، عدم قطعیت هر دو دلیل می باشد. در حالات بیان شده در گزینه های ۲، ۳ و ۴ تعارض غیر مستقر یا بدوی یا ابتدایی یا ظاهری وجود دارد.

۴- گزینه ۴ صحیح است. در این جا تعاریفی از مرجح جهتی و مرجح مضمونی از کتاب اصول فقه کاربردی (ج ۳) نوشته استادان قافی و شرعیتی نقل می کنیم:

مرجح جهتی: مرجحاتی که ترجیح دهنده جهت صدور روایت است. منظور از «جهت صدور» تشخیص این امر است که آیا روایت برای بیان حکم واقعی از سوی امام (ع) صادر شده یا به سبب مصالح و جهات مهم تری که مد نظر امام معصوم (ع) بوده، روایت بیان کننده حکمی غیر از حکم واقعی است. برای مثال، امام (ع) به جهت رعایت تقیه و برای حفظ جان خود یا حفظ جان شیعیان و راویان، حکمی خلاف واقع بیان فرموده است. به عقیده شیخ انصاری، «مخالفت عامه» یک مرجح جهتی است؛ زیرا هنگامی که یک روایت مخالف عامه باشد، این احتمال در ذهن تقویت می شود که در صدور روایت مزبور هیچ گونه تقیه در کار نبوده و روایت در صدد بیان حکم واقعی است.

مرجح مضمونی: مرجحاتی که ناظر به مطابقت مضمون روایت با واقع و نزدیک تر بودن به حکم واقعی است، مرجح مضمونی نامیده می شود. مانند ترجیح به «موافقت کتاب»؛ زیرا اگر روایتی موافق کتاب و روایت دیگری مخالف کتاب باشد، موافقت با کتاب این احتمال را در ذهن تقویت می کند که روایت مورد نظر با واقع منطبق تر و به آن نزدیک تر است.

نام دیگر مرجح مضمونی، مرجح دلالتی است.

در فرض سوال ۷۷، قرارداد اول که شائبه اکراهی بودن آن در میان است به قیاس با تعریف مرجح جهتی، دارای مرجح جهت صدور است اما قرارداد دوم که فاقد چنین شائبه ای است اما دلالت آن بر موضوع تعهد مبهم است به قیاس با تعریف مرجح مضمونی، دارای مرجح دلالتی است.

۵- گزینه ۳ صحیح است. در تراحم ادله ابتدا بر طبق مرجحات باب تراحم و قاعده اهم و مهم ابتدا اهم را انجام می دهیم و سپس طبق قاعده ترتب اگر اهم را انجام ندادیم باید مهم را انجام دهیم. اگر هر دو مورد مساوی بودند، تخییر عقلی واقعی داریم.

۶- گزینه ۳ صحیح است. منظور از قاعده «الجمع مهما أمکن أولى من الطرح» جمع عرفی و به تعبیر دیگر جمع مقبول است یعنی جمعی که مورد پسند عرف یا مستند به شواهد و قرائن کافی باشد. اما اگر چنین نباشد جمع ادله، جمع تبرعی بوده که معتبر نیست.

۷- گزینه ۴ صحیح است. زیرا موضوع دو دلیل از ابتدا و به صورت خود به خودی و واقعی و تکوینی و حقیقی از هم جدا بوده و متفاوت از هم هستند لذا تعارض و برخوردی بین دو دلیل پیش نمی آید.

۸- گزینه ۱ صحیح است.

۹- گزینه ۴ صحیح است. حکومت عبارت است از: «تصرف یکی از دو دلیل (دلیل حاکم) در موضوع یا محمول دلیل دیگر (دلیل محکوم) به صورت توسعه یا تضییق». حکومت به ۴ حالت است: یا به نحو توسعه موضوع دلیل محکوم توسط دلیل حاکم یا به نحو تضییق موضوع دلیل محکوم توسط دلیل حاکم یا به نحو توسعه محمول (حکم) دلیل محکوم توسط دلیل حاکم و یا به نحو تضییق محمول (حکم) دلیل محکوم توسط دلیل حاکم است. فرض مسأله در رابطه با قسم اول از ۴ حالت فوق است.

۱۰- گزینه ۳ صحیح است. شرایط تحقق تعارض ادله عبارت است از: تعدد ادله متعارض، دارا بودن شرایط حجیت، قطعی نبودن هیچ یک از دو دلیل و وجود تنافی در مدلول دو دلیل. در مورد شرط سوم توضیحی لازم است: دو دلیل متعارض نمی توانند هر دو قطعی باشند زیرا قطع پیدا کردن به دو امر متنافی، محال است. همچنین اگر یکی از دو دلیل، قطعی و یقینی باشد نباید از تعارض سخن گفت و دلیل قطعی با دلیل غیر قطعی (کاذب) نمی تواند تعارض کند.

اقل متیقن (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) مشمول مخصّص (ماده ۷) و اکثر مشکوک (مهر و جهیزیه) مشمول عام مخصّص (ماده ۵) است. در حالات دیگر غیر از این حالت، اجمال مخصّص به عام سرایت می کند و در مورد اجمال و شک به عام یا مخصّص استناد نکرده و سراغ موازین قانونی دیگر یا قواعد دیگر یا نهایتاً اصول عملیه می رویم.

۱۰۰- گزینه ۴ صحیح است.

۱۰۱- گزینه ۴ صحیح است. از جمله شرایط اصل استصحاب، تقدم زمان متیقن بر زمان مشکوک است. در حالی که این شرط نباشد یعنی زمان مشکوک بر زمان متیقن مقدم باشد استصحاب قهقری یا مقلوب یا وارونه رخ می دهد که اصولاً معتبر نیست مگر در بحث استنباط معانی الفاظ. علت اینکه گزینه ۲ پاسخ سوال نیست آن است که بین شک با مشکوک و نیز بین یقین با متیقن تفاوت است. شک و یقین، حالت ذهنی انسان است اما مشکوک و متیقن وقایع خارجی هستند که شک و یقین به آن تعلق گرفته است. اگر زمان مشکوک (نه شک) بر زمان متیقن (نه یقین) مقدم باشد استصحاب قهقری رخ می دهد. گزینه ۳ یکی از شرایط استصحاب است و گزینه ۱ هم اساساً جواب سوال نبوده و نادرست است.

۱۰۲- گزینه ۱ صحیح است. مراد از مقتضی، استعداد و توانایی (قابلیت) دوام و بقای مورد استصحاب (مستصحب) است. در قاعده مقتضی و مانع به معنای استعداد ایجاد است.

۱۰۳- گزینه ۱ صحیح است. استصحاب کلی بر سه قسم است که قسم های اول و دوم آن حجت و معتبر می باشد و قسم سوم آن فاقد حجیت است. این سوال از موارد استصحاب کلی قسم دوم است به این بیان که گاهی شک و تردید در بقای کلی ناشی از این امر است که نمی دانیم کلی در ضمن کدام یک از افراد خود تحقق یافته است. آیا کلی در ضمن فردی تحقق یافته که یقیناً از بین رفته است یا در ضمن فردی وجود گرفته که یقیناً هنوز باقی است؟ استصحاب کلی قسم دوم حجت می باشد؛ به این بیان که آثار مشترک تمام افراد، استصحاب می شود نه آثار اختصاصی یک فرد. لذا نمی توان به صورت مشخص، وجود هیچ یک از افراد را استصحاب کرد و طبعاً آثاری که مربوط به شخص معین است ثابت نمی شود. در فرض سوال، وجود عقد به صورت کلی در زمان سابق به عنوان امر متیقن سابق می باشد اما مشخص نیست که این امر کلی در ضمن کدام فرد و مصداقش (بیع یا صلح معوض) تحقق یافته است. حال اگر در مجلس عقد، قرارداد مزبور توسط یکی از طرفین فسخ شود و تردید شود که عنوان کلی عقد هنوز باقی است یا نه (چرا که اگر عقد مزبور بیع باشد یقیناً با اعمال خیار مجلس فسخ شده است و اگر صلح معوض بوده هنوز عقد باقی است)؛ در این حالت عنوان کلی عقد استصحاب شده و آثار مشترک عقد بیع و عقد صلح معوض مترتب می شود نه آثار اختصاصی بیع و صلح معوض.

۱۰۴- گزینه ۲ صحیح است. در حالتی که اطراف علم اجمالی در محل ابتلاء و دسترس مکلف باشد طی شرایطی اصل احتیاط (اشتغال) اعمال می شود. حال اگر برخی اطراف علم اجمالی سپس از ابتلاء و دسترس مکلف خارج شود نسبت به فرد باقیمانده در دسترس، اصل احتیاط هنوز اعمال می شود. اما اگر برخی اطراف علم اجمالی از ابتدا مورد ابتلای مکلف نباشد (مثلاً یک طرف از اطراف علم اجمالی خارج از محل ابتلاء مکلف بوده و طرف دیگر در محل ابتلاء مکلف باشد) اصل احتیاط نسبت به فرد واحدی که در تحت ابتلاء مکلف است اعمال نشده و نسبت به هر دو طرف (در محل ابتلاء و خارج از محل ابتلاء) اصل برائت اعمال می شود.

همچنین در حالت اضطرار نسبت به یکی از اطراف علم اجمالی و نیز در حالت انحلال و تجزیه علم اجمالی به یک علم تفصیلی و یک شک بدوی نسبت به اصل وجود تکلیف، اصل احتیاط اعمال نمی شود. در حالت اضطرار با استناد به ادله احکام ثانویه، ارتکاب عمل مجاز است و در حالت انحلال علم اجمالی به علم تفصیلی و شک بدوی، نسبت به قسمت مورد علم با استناد به ادله اجتهادی (دلیل قطعی و دلیل ظنی یا اماره) تکلیف وجود دارد و نسبت به قسمت مورد شک بدوی در اصل وجود تکلیف، اصل برائت جریان می یابد.

۱۰۵- گزینه ۱ صحیح است. تفاوت اساسی واجب تخییری (واجب مخیر) با اصل تخییر در این است که وجوب تخییری به استناد دلیل اخص (مانند قرآن یا روایت یا قانون یا قرارداد) بوده و حکمی واقعی است که از سوی شارع در مورد برخی از واجبات بیان شده است؛ اما تخییری که توسط اصول عملیه اثبات می شود فقط حکمی ظاهری است؛ یعنی، در موردی که حکم واقعی مسئله مجهول و مورد شک و تردید است و شک بین وجوب یا حرمت عملی (دوران امر بین محذورین) وجود دارد و به حکم واقعی عمل دسترسی نیست. برای رفع تحیر و شک مکلف در مقام عمل حکم به تخییر ظاهری او میان انجام عمل و ترک آن می شود. بنابراین، در حقیقت، در تکلیف واقعی تخییری وجود ندارد و حکم واقعی تنها وجوب یا حرمت عمل است. نتیجه اینکه تخییر بین افراد واجب تخییری، حکم واقعی شرعی است و در بین افراد واجب مخیر، هیچ اصلی جاری نیست اما تخییر در مورد اصل عملی تخییر، یک حکم ظاهری عقلی یا شرعی است که مربوط به شک و تردید بین وجوب یا حرمت عملی است.

۱۰۶- گزینه ۴ صحیح است. از آن جا که متعلق تکلیف، مردّد بین دو یا چند عمل مشکوک جدا از هم است (تردید در اینکه مدیون مبلغ دو میلیون تومان را به «الف» بپردازد یا به «ب») که هیچ ارتباطی با هم ندارند شبهه میان متباینین واقع شده است. با توجه به اینکه شک در حکم قضیه نبوده و مسلماً حکم وجوب ادای دین وجود دارد و موضوع و مصداق، مورد تردید و شبهه است لذا شبهه موضوعیه (مصادیقیه) واقع شده است. در این حالت قاعده اقتضا می کند که اصل احتیاط (اشتغال) اعمال شده و دین به هر دو شخص پرداخت شده یا به نحوی وسیله اسقاط تکلیف نسبت به هر دو شخص اعمال گردد مثلاً مدیون از هر دو براثت ذمه حاصل نماید.

۱۷۷- گزینه ۳ صحیح است. برخی مشتقات مانند قاتل، زانی، سارق و... حاکی از عملی هستند که در گذشته واقع شده و اثرش هنوز باقی است برای همین استعمال این الفاظ برای چنین اشخاصی همواره حقیقت است. (هرکس مرتکب قتل، زنا و... شده تا همیشه به این نام خوانده می‌شود). چنین صفاتی در واقع قابل انفکاک نیستند و شاید از بحث مشتق خارج باشند مانند صفات ذاتی مثل زوجیت برای عدد چهار یا ناطق بودن برای انسان که مشتق غیرقابل زوال و از بحث خارج هستند. اما درباره قاضی که خوابیده نیز این استعمال حقیقی است چون درباره چنین اموری لازم نیست که ذات بالفعل و عملاً مشغول انجام کار باشد تا او را متلبس به مبدأ و حقیقت بدانیم بلکه تا زمانی که رسماً عنوان قاضی از او گرفته نشده در هر حالی، او متلبس به مبدأ و کاربرد مشتق حقیقت خواهد بود.

۱۷۸- گزینه ۱ صحیح است. این پرسش درباره این نکته است که کاربرد مشتق به لحاظ حال تلبس همواره حقیقت است، یعنی مشتق به کار برده شود و فعل مربوط به زمانی که ذات، وصف مورد نظر را داشته باشد به صورت ماضی یا مضارع به کار برود، مانند گزینه ج و دال، که مریب بود و خواهد شد. اما در گزینه الف، به کسی که مریب بوده است، بگوییم: او مریب است درواقع مجاز به علاقه ماکان است. در گزینه ب نیز مسئله درباره شغل‌هاست که تا زمانی که شخص رسماً از شغل خود کناره‌گیری نکرده، همواره متلبس به مبدأ و حقیقت است.

۱۷۹- گزینه ۱ صحیح است. زیرا مناسبت و علاقه ای بین «بیع» و «ازدواج» وجود ندارد و با فقدان مناسبت، اگر لفظ در معنای لفظی خودش بکار نرود استعمال «غلط» صورت گرفته است. اما در گزینه های ۲، ۳ و ۴ مناسبت بین معنای اصلی لفظ و معنای مجازی آن وجود دارد. استعمال لفظ در معنای وضعی اش، استعمال حقیقی و استعمال لفظ در غیر معنای وضعی اش در حالت فقدان علاقه، استعمال غلط است و در حالت وجود علاقه، استعمال مجازی است.

۱۸۰- گزینه ۱ صحیح است. محاربه و افساد فی الارض از نظر قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ به یک معنی نیستند. مرجع قضایی اعم از دادگاه است و مترادف با دادگاه نیست. حاکم شرع و قاضی هم مترادف نیستند.

۱۸۱- گزینه ۳ صحیح است. اگر لفظی در قانون به کار رفته ولی دارای معنی قانونی خاصی نباشد و در اصطلاح شرع، معنای خاصی داشته باشد باید آن را بر معنای شرعی حمل کرد مانند قرابت رضاعی، لعان، احرام و طلاق عدی. اما اگر الفاظی در قانون آمده ولی معنای قانونی و شرعی خاصی ندارند (یعنی حقیقت قانونی و حقیقت شرعی ندارند) باید به معنای عرفی یا لغوی مراجعه نمود. مانند اصطلاحات مسکن، حسن معاشرت، مصالح خانوادگی، اطاعت از ابوی، تنبیه طفل. همچنین الفاظ کشتن، اخلال در نظم جامعه، ضرب و جرح، مستی و... که برای فهم آن‌ها باید به ترتیب به معنای قانونی، معنای شرعی و معنای عرفی مراجعه کرد.

۱۸۲- گزینه ۳ صحیح است. اطراد به معنای کثرت استعمال لفظی در معنایی بدون قرینه، بوده و یکی از چهار علامت حقیقت است. لفظ تعهد در معنای به عهده گرفتن چیزی توسط مدیون به اراده خود، اطراد دارد و لفظ تعهد در این معنا، حقیقت است اما لفظ «تعهد» در معنای مدیون شدن به حکم قانون، عدم اطراد و قلت استعمال داشته و مجاز است.

۱۸۳- گزینه ۱ صحیح است. زیرا وقتی معنای حقیقی لفظ اشجار (درخت‌های کاشته شده) و معنای مجاز آن (درخت‌های بریده شده) را دانستیم و سپس شک کردیم که مراد متکلم، معنای حقیقی لفظ «اشجار» بوده یا معنای مجاز آن، بر اساس اصالة الحقیقة می‌گوییم مقصود او معنای حقیقی لفظ بوده است. زمانی به اصل عموم استناد می‌کنیم که احتمالات معنایی مطروحه برای لفظ، همه حقیقی بوده و لفظ مورد نظر، عام باشد و شک کنیم یک احتمال یا تمام احتمالات مدنظر بوده است. زمانی به اصالة الإطلاق استناد می‌کنیم که احتمالات معنایی مطروحه برای لفظ، همه حقیقی بوده و لفظ مورد نظر، مطلق باشد و شک کنیم یک احتمال یا تمام احتمالات مدنظر بوده است. اگر احتمالات مطروحه در سوال، یکی حقیقی و دیگری مجازی باشد و تردید شود که کدام یک مدنظر بوده است به اصل حقیقت استناد می‌کنیم.

۱۸۴- گزینه ۲ صحیح است. وقتی عبارت و متن مورد نظر حقیقتاً بتواند شامل احتمال یا احتمالات مطروحه در سوال بشود و شک در شمول آن نسبت به این احتمال یا احتمالات داشته باشیم با استناد به اصل عموم (در صورت عام بودن عبارت) یا اصل اطلاق (در صورت مطلق بودن عبارت) می‌گوییم عبارت، شامل آن احتمال یا احتمالات هم می‌شود. اما اگر احتمال یا احتمالات مطروحه در سوال، حقیقت و مجاز بود و شک در شمول عبارت نسبت به احتمال مجازی باشد با استناد به اصل حقیقت می‌گوییم متکلم عبارت، معنای حقیقی را مد نظر دارد نه مجازی.

۱۸۵- گزینه ۳ صحیح است. زیرا وقتی احتمال مخفی ماندن قسمتی از کلام گوینده وجود داشته باشد و شنونده احتمال دهد بخشی از کلام گوینده در عبارت نیامده و در تقدیر گرفته شده، می‌گوییم هیچ بخشی از کلام، مخفی نمانده در تقدیر گرفته نشده است. (اصل عدم تقدیر).

۱۸۶- گزینه ۳ صحیح است. زیرا مادر نسبی، معنای حقیقی مادر و مادر رضاعی، معنای مجازی مادر است. حال اگر تردید کنیم که لفظ در معنای حقیقی یا مجازی استعمال شده، بر اساس اصل حقیقت می‌گوییم لفظ مادر در معنای حقیقی (مادر نسبی) بکار گرفته شده است.

۱۸۷- گزینه ۴ صحیح است. لفظ مشتق (همسر) در فرض سؤال، در متلبس به مبدأ اشتقاق در زمان گذشته بکار رفته و مجاز است. اگر لفظ مشتق در متلبس به مبدأ اشتقاق در زمان اتصاف به صفت یا دارا بودن حالت (زمان حال) بکار رود این لفظ حقیقت است و اگر این لفظ در متلبس به مبدأ اشتقاق قبل

۱ و ۳ و ۴، انصراف بدوی را بیان می کند که به سبب کثرت (غلبه) مصادق خاصی در عالم خارج است و این انصراف، مانع اطلاق نیست و لفظ، همچنان در این ۳ گزینه مطلق است.

۲۰۲- گزینه ۲ صحیح است. زیرا شمولیت لفظ (مال) بر انواع و اقسام (منقول و غیر منقول)، اطلاق است.

۲۰۳- گزینه ۴ صحیح است. زیرا این ماده، بیانگر اصل عملی برائت است و از اصل عملی، حکم ظاهری صادر می شود.

۲۰۴- گزینه ۱ صحیح است. حکم واقعی که شارع برای افعال انسان در حالت عادی او وضع کرده است حکم واقعی اولی بوده و حکمی که شارع در حالت عارض شدن عنوان ثانوی بر موضوع، بیان می دارد حکم واقعی ثانوی یا اضطراری است.

۲۰۵- گزینه ۴ صحیح است. گزینه ۱، حکم تکلیفی وجوب یا لزوم و گزینه ۲، حکم تکلیفی حرمت یا ممنوعیت و گزینه ۴، حکم تکلیفی جواز یا اباحه است. گزینه های ۱، ۲ و ۴ همگی حکم واقعی اولیه هستند.

۲۰۶- گزینه ۴ صحیح است. احکامی که ناشی از دلیل اخص یا اماره است حکم واقعی می باشد و در صورتی که عناوین ثانوی بر موضوع عارض نشود حکم واقعی اولی بوده و اگر عنوان ثانوی بر موضوع عارض شود حکم واقعی ثانوی است. حکم واقعی اولی، حکم حالت عادی مکلف است و حکم واقعی ثانوی، حکم حالت استثنایی و خاص مکلف (همراه با عناوین ثانوی: ضرر، عسر و حرج، اکراه، اضطرار، دفاع مشروع، شرط، نذر، عجز، مرض، تقیه، اجبار و ...) می باشد. حکم ظاهری، احکام ناشی از اصول عملیه است البته طبق نظر برخی اصولیین احکام ظاهری، ناشی از اماره هم می باشد. حکم حکومتی، حکمی است که از سوی ولی امر و حاکم جامعه بر طبق مصالح عمومی جامعه و برای تنظیم روابط افراد با یکدیگر و روابط آنها با دولت و حکومت، در زمینه های مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی صادر می شود.

۲۰۷- گزینه ۳ صحیح است. در فرض قانونی، قانونگذار بنا به ملاحظات اجتماعی، وجود امری را لازم می داند و بر پایه آن، قاعده ای وضع می کند که ممکن است قاعده یاد شده با واقعیت های اجتماعی هم منطبق نباشد. مواد ۳۰۸ و ۳۱۰ ق.م.م، مثال های فرض قانونی است زیرا این موارد حقیقتاً خارج از مفهوم غصب هستند ولی در حکم غصب دانسته شده اند. در اماره و اصل عملی، اثبات خلاف آن امکان دارد ولی اثبات خلاف فرض قانونی، ممکن نیست.

۲۰۸- گزینه ۱ صحیح است. صل عملی، یک دلیل به معنی عام است اما زمانی سراغ اصل عملی می رویم که دلیل قطعی (دلیل به معنی اخص) و دلیل ظنی (اماره یا ظاهر) وجود نداشته باشد و به تعبیر دیگر اصل عملی (دلیل فقهاتی) زمانی دلیل است که دلیل اجتهادی (دلیل قطعی و دلیل ظنی) نباشد.

۲۰۹- گزینه ۱ صحیح است. زیرا این ماده بیان کننده اماره تصرف است.

۲۱۰- گزینه ۳ صحیح است.

۲۱۱- گزینه ۳ صحیح است.

۲۱۲- گزینه ۳ صحیح است. احکامی که از اماره قانونی یا اماره قضایی به دست می آید حکم واقعی و به تعبیر مرحوم دکتر محمدی، حکم مماثل با حکم واقعی است نه حکم ظاهری. چون وضعیت مذکور در ماده ۱۰۹ ق.م. به حکم قانونگذار، دلیل بر امری قرار داده شده است لذا آن را اماره ی قانونی می گوئیم نه اماره قضایی که اوضاع و احوالی است که در نزد قاضی، دلیل بر امری است.

۲۱۳- گزینه ۲ صحیح است.

۲۱۴- گزینه ۱ صحیح است. ر.ک به صفحه ۲۸ از جلد دوم کتاب اصول فقه کاربردی، نوشته استادان سعید قاضی و حسین شریعتی. هرگاه علم و یقین و آگاهی و قطع، در ماده ای بیان شود و در بخش موضوع ماده بیاید آن را قطع موضوعی می گویند. در برابر آن، قطع طریقی است یعنی قطع و یقینی که در ذهن انسان برای پی بردن به حقیقت حاصل می شود.

۲۱۵- گزینه ۲ صحیح است. اماره تولید کننده و موجب ظن خاص وظن نوعی است در حالی که ظن شخصی وظن مطلق نامعتبر هستند. اماراتی که مفید ظن خاص هستند (مانند خبر واحد و ظواهر قرآن و ...) در اصطلاح اصول فقه به «طرق علمی» معروف هستند زیرا این امارات، هر چند باعث قطع و یقین نیستند اما دلیل قطعی بر اعتبار و حجیت آنها وجود دارد. گاه به این امارات، «علمی» هم گفته می شود.

۲۱۶- گزینه ۱ صحیح است. زیرا از کلمات (مفردات) و تمام عبارات، تنها یک معنا برداشت می شود.

۲۱۷- گزینه ۴ صحیح است. مبین، لفظ یا عبارتی است که معنای آن روشن باشد و ابهامی در آن نباشد. مبین با توجه به درجه ظهور لفظ در معنا به دو قسم تقسیم می شود: نص و ظاهر. نص لفظی است که دلالت آن بر معنا به اندازه ای آشکار و صریح است که غیر از آن معنا، معنای دیگری به ذهن نمی رسد. نام دیگر نص، صریح است. ظاهر لفظی است که ظهور قوی و اطمینان بخش در یک معنا دارد ولی معنای دیگری هم در مورد آن به صورت ضعیف، محتمل است. چنین لفظی باید بر معنای ظاهر و راجح حمل شود مگر در صورت وجود قرینه بر اراده خلاف معنای ظاهر.

۲۱۸- گزینه ۴ صحیح است.

۲۱۹- گزینه ۴ صحیح است. دلالت لفظ بر معنای دو نوع است: (۱) محکم که شامل نص و ظاهر است (۲) متشابه که شامل مؤول و مجمل است.

۲۲۰- گزینه ۳ صحیح است. زیرا لفظ «خلل» در این ماده ابهام دارد و معلوم نیست در مواردی که شخصیت طرف، علت عمده عقد است آیا اشتباه، موجب بطلان عقد است یا سبب عدم نفوذ آن؟ مجمل لفظ یا عبارتی است که معنای آن، ظاهر و روشن نباشد.

پیروان، دیدگاه پیشوا نیز وجود دارد. در این شیوه نیز مخالفت علمای معلوم و مجهول به حجیت آن آسیب می‌زند. ایراد شیوه حس و لطف این است که مربوط به زمان حضور هستند و تذکر در زمان غیبت معصوم ممکن نیست. اما حدس موردقبول فقهاست اما دست‌یابی به چنین اجماعی ممکن نیست چون آرای بسیاری فقها در طول تاریخ نابود شده است

۲۳۲- گزینه ۱ صحیح است. قیاس در احکام شرعی فرعی اعم از تکلیفی و وضعی جریان می‌یابد و البته در سه حکم وضعی (سببیت و شرطیت و مانعیت) استثنا جاری نیست. قیاس در الفاظ و معانی کلمات جاری نیست و برای شناخت معنی الفاظ، باید به عقاید اهل لغت و لغت دانان مراجعه نمود. اجرای قیاس در قوانین کیفری معمولاً با اصل قانونی بودن مجرم و مجازات (مفاد اصل ۳۶ ق.ا. و ماده ۲ ق.م.ا) و قاعده قبح عقاب بلا بیان منافات دارد و لذا قیاس در قوانین کیفری ممنوع است.

۲۳۳- گزینه ۲ صحیح است. از جمله شرایط یازده گانه قیاس آن است که حکم شرعی اصل از طریق قیاس، استنباط نشده باشد. شرایط قیاس در کتاب اصول فقه فاضل (صفحات ۱۹۷ و ۱۹۸) بیان شده است.

۲۳۴- گزینه ۲ صحیح است. زیرا علت حکم اصل (علت بطلان معامله محجورین (به واسطه عدم اهلیت)) از سوی قانونگذار تصریح شده است و چنین قیاسی را منصوص العله می‌گویند. قیاس مستنبط العله آنجاست که شخص با اجتهاد و نظر خویش، علت حکم را استنباط کند و بی آنکه در کلام شارع یا قانونگذار بیان شده باشد دست به قیاس بزند. در قیاس اولویت، علت حکم در فرع، قوی تر و بارزتر از اصل باشد و قیاس آدنی، قیاسی است که علت حکم در فرع به صورت ضعیف تر از اصل وجود دارد.

۲۳۵- گزینه ۴ صحیح است. تخصیص قرآن به وسیله آیات قرآن و سنت (خبر متواتر و خبر واحد) امکان پذیر است اما نسخ قرآن به وسیله خبر واحد ممنوع است.

۲۳۶- گزینه ۱ صحیح است. قرآن از جهت سند، قطعی الصدور است اما از جهت دلالت، آیات قرآن کریم، بر سه دسته هستند: ۱- متشابهات که دلالت روشنی بر یک معنا ندارند و دارای اجمال هستند لذا حجیت ندارند. ۲- نصوص قرآنی که دلالت کاملاً صریح و روشن بر یک معنا دارند یعنی قطعی الدلالة اند و قطعاً حجیت دارند. ۳- ظواهر قرآنی که به صورت ظنی بر یک معنا دلالت دارند هر چند معنای دیگری هم به صورت ضعیف محتمل است. ظواهر قرآنی حجیت و اعتبار دارند مگر اینکه قرینه ای بر خلاف آن وجود داشته باشد.

۲۳۷- گزینه ۲ صحیح است. زیرا وقتی اذن به شریکی برای اداره کردن مال مشترک داده شد (اذن در شیء)، این اذن، شامل لوازم و امور ضروری و همراه با اداره کردن مال مشترک هم می‌شود (اذن در لوازم آن است).

۲۳۸- گزینه ۴ صحیح است.

۲۳۹- گزینه ۳ صحیح است. گاهی بین مقدمه و ذی المقدمه، ملازمه عقلی وجود دارد بدین معنا که جدای ذی المقدمه از مقدمه ممکن نیست. چنین مقدمه ای را علت گویند. مثل زوجیت دائم که علت توارث زوجین از یکدیگر است و مانند نیروی محرکه که علت حرکت اشیاء است. اما گاهی جدایی ذی المقدمه از مقدمه ممکن است در این صورت مقدمه را حکمت می‌نامند. با وجود علت حکم شرعی، حکم شرعی تحقق پیدا می‌کند اما با وجود یا عدم وجود حکمت، نمی‌توان پی به وجود یا عدم وجود حکم شرعی و قانونی بُرد. از این رو حکم شرعی و قانونی، منوط به علت و دایره مدار آن است اما منوط به حکمت و دایره مدار آن نیست. انحلال نکاح زن مدخوله، علت حکم وجوب نگهداری عده از سوی زن است و جلوگیری از اختلاط نسل و احترام به نکاح پیشین، حکمت حکم وجوب نگهداری عده از سوی زن است و این حکم منوط به این حکمت نیست.

۲۴۰- گزینه ۲ صحیح است.

۲۴۱- گزینه ۲ صحیح است. اگر میان زن و مردی رابطه زوجیت وجود نداشته باشد و در اثر تلقیح مصنوعی یا هر گونه ارتباط غیر زنا فرزندی از آنان متولد گردد قانون مدنی درباره حکم این طفل ساکت است اما نمی‌توان این کودک را به ولد الزنا قیاس کرد و حکم ولد الزنا را درباره او جاری دانست؛ زیرا ماده ۸۸۴ ق.م. یک حکم استثنایی و برخلاف قاعده است.

۲۴۲- گزینه ۲ صحیح است.

۲۴۳- گزینه ۴ صحیح است. گزینه ۱، مجاز به علاقه مشابَهت است. گزینه ۲ مجاز به علاقه مایکون یا مشارفت است. گزینه ۳ مجاز به علاقه مشابَهت است. (معنی حقیقی ضامن یکی از طرفین در عقد ضمان است.)

۲۴۴- گزینه ۴ صحیح است. لفظ مشتق اگر در متلبس به مبدا در زمان حال (یعنی در حال انصاف به صفت یا دارا بودن حالت) بکار رود حقیقت است اما در زمان های گذشته یا آینده بکار رود مجاز است. استعمال مجازی و استعمال حقیقی هر دو از اقسام استعمال صحیح لفظ هستند و در برابر استعمال غلط قرار می‌گیرند.

۲۴۵- گزینه ۴ صحیح است. زیرا اطلاق «وارث» بر اشخاص مذکور قبل از صدور حکم موت فرضی غایب مفقود الأثر، اطلاق حقیقی نیست و منظور از محکمه هم قاضی محکمه است نه خود محکمه.